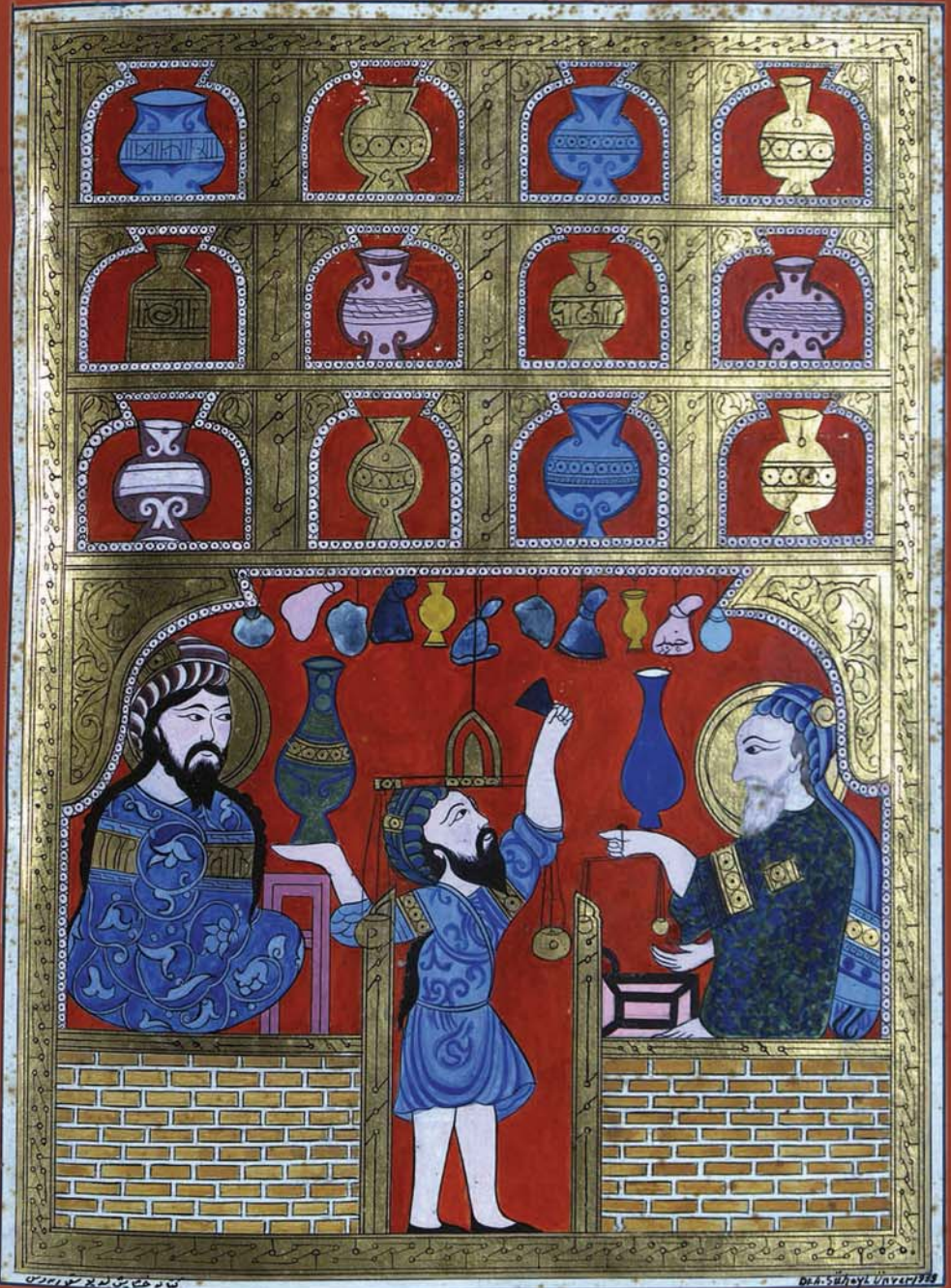


فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۷ [انتشار بهار ۱۳۹۹]

سرسختن؛ میراث مکتوب و نقش آن • درباره برخی تغییرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدی نهنش • کتاب‌المصادر ابوغلی تیرانی / علی‌نور صادقی • فرمان جهانشاه قراقوبولو در منع عزاداری محرم (بمناسبت ۱۳۸۶ق) / صدائین شیخ‌احمدی • نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / تاب شیرازی • مکر الهی / صدائین کویا • تسخانی تازیانیت از ارشاد قلاسی در لندن / ماری پوناوی • دست‌نویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حرفی آن / سوسداسی • «بسکو» یا «بسکو»؟ جای‌نامی در تاریخ سیستان / جواد معتمدی حکم • سیمسار پرتاب‌پدیه / مریم بیروسی / رباعی خیم در ریاض هندوشاه نخبجوانی / سید علی برافلسی • کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل چالویر در تبریز و بغداد / علی صفوی آق‌نهنه • معرفی و ارزیابی مقلداتی هفت نسخه‌شاهنامه، مقدم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شایوان • درباره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر رفغان • بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی • اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / حسن شریفی ضعی • درباره تصحیح جامع‌اللغات نیازی / امین خدیووست • ادبیات فارسی بیرون از ایران (سیف‌آه هند، آملان، آسیای میانه، و در فارسی بیودی) / صدائین کویا • القانون فی الطب (کتاب‌الاول فی الامور الکتابیه من علم الطب) / سید نصرالله زاده / نگاهی به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرضی موسوی • مدخل حساسه ملکی ایران / فاطمه حتمیان • ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۴) / سید احمدرضا قلم‌نمائی • آثار راشد محمد افندی / ملاحظاتی در باب نقد کتاب ازل القانون فی الطب / بهجت‌علی حسینی • پاسخ‌ها به نقد دیوان منوچهری / سید شیری



فصلنامه اطلاع رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه شناسی و ایران شناسی دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم بهار - تابستان ۱۳۹۷ [انتشار: بهار ۱۳۹۹]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
 gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۵۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره آغاز کتاب الحشایش دیوسقوریدس در مجموعه پزشکی ۳۷۰۳، کتابخانه ایاصوفیا، مورخ ۶۲۱ق، به نسخ خوش عبدالله بن الفضل سبط الاعز. در این نگاره یک دکان دارو فروشی دیده می شود. بر روی یکی از اشیاء آویخته از بالای دکان، نام «جنید» نوشته شده که به ظاهر نام نگارگر این نسخه است.

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

فهرست

سرخن

میراث مکتوب و نقش آن..... ۵-۳

جستار

در باره برخی تعبیرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدوی دامغانی..... ۷-۶

کتاب المصاغر ابوعلی تیزانی / علی اشرف صادقی..... ۸

فرمان جهان شاه قراقویونلو در منع عزاداری محرم (به تاریخ ۸۶۵ق) / عمادالدین شیخ الحکامی..... ۱۲-۹

نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان نویسی / نایب شیرازی..... ۱۵-۱۳

مکر الهی / مجدالدین کیوانی..... ۲۷-۱۶

نسخه ای تازه یافت از ارشاد قلانسی در لندن / عارف نوشاهی..... ۳۱-۲۸

دستنویس کهن قابوس نامه و چاپ حروفی آن / مسعود قاسمی..... ۴۶-۳۲

«بسکو» یا «بسکر»؟ جای نامی در تاریخ سیستان / جواد محمّدی خمک..... ۴۹-۴۷

سپه سار برن تابید پیه / مریم میرشمسی..... ۵۲-۵۰

رباعی خیتام در بیاض هندوشاه نخجوانی / سیدعلی میرافضلی..... ۵۴-۵۳

کهن ترین نمونه های شناخته شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل جلاپیر در

تبریز و بغداد / علی صفری آق قلعه..... ۸۵-۵۵

معرفی و ارزیابی مقدّماتی هفت نسخه شاهنامه مقدّم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شاپوران..... ۱۰۰-۸۶

در باره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر ارغوان..... ۱۱۲-۱۰۱

بخش هایی از انیس الوحده در جنگی متعلّق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی..... ۱۱۵-۱۱۳

اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / محسن شریفی صحنی..... ۱۲۰-۱۱۶

نقد و بررسی

در باره تصحیح جامع اللغات نیازی / امین حق پرست..... ۱۲۵-۱۲۱

ادبیات فارسی بیرون از ایران (شبه قاره هند، آناتولی، آسیای میانه، و در فارسی یهودی) / مجدالدین کیوانی..... ۱۳۷-۱۲۶

القانون فی الطب (الكتاب الأول، فی الأمور الكلية من علم الطب) / سعید فتحعلی زاده..... ۱۵۴-۱۳۸

نگاهی به تصحیح خلاصه الاشعار و زبده الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرتضی موسوی..... ۱۶۳-۱۵۵

مدخل حماسه ملی ایران / فاطمه حمصیان..... ۱۶۷-۱۶۴

پژوهش های دبستان

ریشه شناس چه می کند؟ (۴) / سید احمد رضا قائم مقامی..... ۱۷۴-۱۶۸

ایران «متون و منابع عثمانی»

آثار راشد محمّد افندی / نصرالله صالحی..... ۱۷۷-۱۷۵

دوره نهمین

ملاحظات در باب نقد کتاب اول القانون فی الطب / نجفقلی حبیبی..... ۱۹۰-۱۷۸

پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سعید شیری..... ۱۹۹-۱۹۱



۳. بعضی اشکالات را وارد دانسته‌ام که قبلاً خودم به آنها توجه نداشته‌ام (حدود ۷۵ مورد) و بر این اساس باید مجدداً غلطنامه اصلاح و تکمیل شود.

۴. پس از ملاحظه نسخه چاپی کتاب اول القانون، به تصحیح این بنده، متوجه شدم که خطاهای فاحشی در اول کتاب وجود دارد، از جمله روی جلد نوشته شده است «حسین ابن عبدالله ابن سینا»، در حالی که صورت درست چنین است: «حسین بن عبدالله بن سینا»، و یا در سرصفحه مقدمه نوشته شده است «المقدمة المصحح» که خطاهای مذکور از ناحیه بنده نبود. احتمال دادم که خطاهای دیگری نیز در جریان تایپ و تصحیح از سر غفلت از جانب من یا تایپ‌کننده روی داده باشد؛ از این روی تصمیم گرفتم متن کتاب را از اول تا آخر یک بار دیگر به دقت مرور کنم تا اگر به هر علتی خطایی در آن رخ داده باشد، معلوم کنم و به صورت یک غلطنامه داخل کتاب بگذارم و در صورت تجدید چاپ در متن چاپ دوم اعمال کنم. اما قبل از اینکه موفق به رفع خطاهای احتمالی شوم و غلطنامه آماده شود، کتاب به صورت محدود منتشر شد و من به طرق مختلف از محققان و صاحب‌نظران خواهش کردم که با توجه به اهمیت این کتاب، با دقت و وسواس به نقد کار من پردازند تا با هم‌فکری ایشان چاپ بعدی این کتاب، که سرمایه ملی ما ایرانیان است، کمتر نقص داشته باشد. بنابراین اولین غلطگیری از ناحیه خود بنده صورت گرفت. پس از استدعای بنده از آقای دکتر ایرانی، مدیر عامل محترم مؤسسه میراث مکتوب، برای اهتمام به نقد این اثر، به

ملاحظات در باب نقد کتاب اول القانون فی الطب*

نجفقلی حبیبی

پیش از بررسی نقد حاضر چند نکته محتاج تذکر است:

۱. این بنده متن مصحح را بعد از چاپ غلطگیری کرده، یک نسخه از غلطنامه را تقدیم ناشر محترم کرده‌ام و در بررسی نقد حاضر به آنچه قبلاً خود انجام داده اشاره کرده‌ام. با این تذکر تصریح می‌کنم که به هیچ وجه از ارزش کار منتقد محترم غافل نشده‌ام و برای آن کار ارزش بسیار قائم و در چنین مواردی قبول کرده‌ام که اشکال وارد است؛ فقط تذکر داده‌ام که خود قبلاً آن موارد را در غلطنامه وارد کرده‌ام.
۲. بعضی اشکالات را نپذیرفته‌ام و تصریح کرده‌ام که اشکال وارد نیست (حدود ۶۵ مورد).

* نقدی که پاسخ آن را در اینجا می‌خوانید در همین شماره منتشر شده است. گزارش میراث، با اطلاع و اجازه نویسنده نقد، آن را در اختیار مصحح کتاب نهاد تا نقد و پاسخ آن هر دو در یک شماره به نظر خوانندگان برسد. (گزارش میراث)

کوشش خواهیم کرد و از تذکر ایشان تشکر می‌کنم.
- گفته‌اند که برای چنین کتابی می‌بایست به مقدمه عربی اصالت داده می‌شد و خلاصه آن به فارسی می‌آمد، نه به عکس. البته نظر ایشان محترم است.

- ایشان هم به دو خطای «حسین ابن عبدالله» و «المقدمه المصحح» توجه داده‌اند که قبلاً در غلطنامه آورده‌ام.

- ایشان همچنین تذکر داده‌اند که در مقدمه عربی آثار عجمه مشهود است و پیشنهاد کرده‌اند که مقدمه عربی را یک عربی‌دان مسلط بنویسد. در پاسخ عرض می‌کنم که متن حاضر را دو متخصص، یکی عرب‌زبان و دیگری استاد ادب عربی در دانشگاه، ملاحظه و اصلاح کرده‌اند. و البته بلاغت هم حدی ندارد.

- نوشته‌اند در صفحه ۴۵ مقدمه عربی، سطر ۱۱، «آشکارا با یک افتادگی مواجهیم». اینجا یک خطای تایپی رخ داده و موجب اشتباه ایشان شده است. عبارت نادرست «تکفیک خلاصه» به جای «تکفیک خلاصه»، تایپ شده و عبارتی نیفتاده است.

- درباره همان صفحه، سطر ۱۹ نوشته‌اند عبارت «أقدم رجلاً وأوخر آخری» از ملاصدرانیست. غرض بیان این تردید بوده، نه مشخص کردن صاحب سخن تاجست و جو شود چه کسی اول گفته است. البته از مستندسازی ایشان تشکر می‌کنم.

- درباره صفحه ۴۶ مقدمه، سطر ۲۰ گفته‌اند «حاصلتها علیها» خطا است. اشکال وارد است و من قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.

- درباره صفحه ۴۸ مقدمه، سطر ۲۱ گفته‌اند «بالنسبة إلى» درست است نه «بالنسبة علی». اشکال وارد است.

- درباره صفحه ۴۸، سطر ۲۳ گفته‌اند «النسخ المذكورة السبع» درست است. اشکال وارد است.

- درباره صفحه ۴۹، سطر ۱ گفته‌اند «أوراقها» درست است. اشکال وارد است و من در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.

- درباره صفحه ۴۹، سطر ۳ گفته‌اند «السلطین» درست است. اشکال وارد است و قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.

بنده اطلاع دادند که به درخواست ایشان بزرگواری پذیرفته است که آن را نقد کند. انصافاً آن بزرگوار، که نخواستند نامشان فاش شود، با نهایت دقت کوشیده‌اند تا کاستی‌های کتاب را در مقوله‌های «اعراب و خوانش متن» بیابند و گوشزد کنند. نقد ایشان را قبل از چاپ در نشریه گزارش میراث دریافت کردم تا اگر مواردی نیاز به پاسخ دارد توضیح بدهم. صمیمانه از کوشش و دقت ایشان سپاسگزارم. هرچند مواردی بوده است که از نظر تیزبین ایشان مستور مانده و من قبلاً در غلطنامه آورده‌ام. همچنین از فاضل مکرم آقای دکتر ایرانی که واسطه خیر شدند تشکر می‌کنم.

الف. در باب اشکالات مقدمه

- منتقد در صفحه آغازین مقاله، پاورق ۲، ضمن اشاره به کار ارزشمند علیرضا مسعودی، نوشته است که ایشان قانون را ترجمه کرده‌اند. این جانب پس از انتشار قانون، یک نسخه را برای استاد ناظم حضوری هدیه کردم و از ایشان درخواست کردم که کارم را نقد کنند. ایشان لطف کردند و یک دوره دو جلدی مشتمل بر کتاب اول و دوم قانون به تصحیح علیرضا مسعودی را به بنده هدیه دادند. برخلاف گفته منتقد، علیرضا مسعودی قانون را ترجمه نکرده است. چند سال قبل، از طریق دوستی که نسخه‌ای را به من هدیه داد، متوجه شدم که علیرضا مسعودی بخش اندکی از کتاب اول قانون را تصحیح و ترجمه کرده است و گویا بعداً از ترجمه منصرف شده و زیر نظر استاد ناظم حضوری فقط به تصحیح متن پرداخته است.
- منتقد در صفحه آغازین مقاله، پاورق ۳، به نسخه‌ای از قانون مورخ ۱۳۳۱ق متعلق به مرحوم عباس اقبال آشتیانی اشاره کرده و پرسیده است که آیا بنده آن را دیده‌ام یا نه. این نسخه را ندیده‌ام، اما چون نسخه‌های قدیم‌تر و تصحیح شده، مثل نسخه‌های ۱۳۱۲ق، ۱۳۳۸ق، ۱۳۵۶ق، و ۱۳۲۷ق را در اختیار داشته‌ام - که همگی علاوه بر داشتن مشخصات مطلوب و قرائت بر اهل فضل، قدیم‌تر از نسخه مرحوم اقبال هستند - نیازی به آن نداشته‌ام. البته برای یافتن آن، لااقل برای استناد در مجلدات دیگر قانون،

- ب. در باب اشکالات متن کتاب اول القانون
- ص ۱، س ۷: «إیفاء الأكثر حقّه».
 - وارد نیست. به نظر من «حقّه» مفعول «إیفاء» و درست است.
 - ص ۱۱، س ۴: در فهرست «الساعد» و در متن ص ۲۲۴ «الصاعد» آمده است.
 - اشکال وارد است «الصاعد» درست است.
 - ص ۲۰، س ۳: «أعیاء» خطا است.
 - اشکال وارد است و قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام. در سطر ۵ همین صفحه «الإعیاء» آمده است.
 - ص ۲۹، س ۷: گیومه قبل از «الأعضاء» زائد است.
 - اشکال وارد است و قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
 - ص ۳۰، س ۵: به نظر می‌رسد «یناقشون» به صیغه مجهول درست است.
 - اشکال وارد نیست.
 - ص ۳۳، س ۳: باید «والأشیاء الواردة...» را مورد ششم دانست.
 - اشکال وارد نیست. عبارت «إمّا... إمّا» گواه روشنی است بر استقلال جمله.
 - ص ۳۴، س آخر: عبارت «قواها الطبيعية...» نباید به عنوان مورد ششم قرار داده شود، بلکه این عبارت ادامه همان مورد پنجم است.
 - اشکال وارد نیست. در فصل چهارم، صفحه ۲۵۷، سطر ۱۱، درباره قوه حیوانی و از سطر ۱۵ به بعد درباره روح بحث شده است و مشخص است که «قوه» غیر از «روح» است.
 - ص ۳۵، س ۴: پرسیده‌اند چرا عبارت «الواردات علی البدن» داخل گیومه قرار گرفته است؟
 - غرض فقط برجسته کردن آن بوده است.
 - ص ۳۵، س ۱۲: «أقدم» به فتح میم درست است.
 - اشکال وارد است.
 - ص ۳۶، س ۴: در عنوان افزوده شده واژه‌ای با معنای «فقط» باید اضافه شود.
 - اشکال وارد نیست، ابن سینا هم در متن نیآورده است.
 - ص ۳۶، س ۵: «غیر» به فتح راء است.
 - اشکال وارد است. غلط تایپی است و قبلاً در غلطنامه آورده‌ام.
 - ص ۳۶، س ۱۲: علامت سؤال در برابر «سبباً» زائد است.
- اشکال وارد است و قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۴۰، س ۹: «لیسلس الهیئات» درست آن «لیسلس للهیئات» است.
 - اشکال وارد است و من قبلاً در غلطنامه آورده‌ام (با این حال در قاموس «أسلست الناقه: أخرجت الولد» در معنای متعدی بدون «لام» به کار رفته است).
 - ص ۴۱، س ۹: «یُنضج» خطاست و از باب افعال است.
 - اشکال وارد است و من قبلاً در غلطنامه آورده‌ام: لِيُنضج و يَلطّف (ثلاثی مجرد) و يَمْتزج.
 - ص ۴۱، پ ۴: «الراجعة إلى النار» درست است.
 - اشکال وارد است.
 - ص ۴۹، س ۱۲: «بنگردد» درست است.
 - وارد است. خطای تایپی است که در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
 - ص ۵۰، س ۱۲: «لما كان لا ینفعل» درست است.
 - اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
 - ص ۵۳، س ۱۰ (منتقد: سطر ۳): «مغیر البدن» بکسر نون. به نظر بنده اشکال وارد نیست و «مغیر البدن» نیز صحیح است.
 - ص ۵۸، س ۱۱: «معاً کثیراً» درست است نه «معاً».
 - اشکال وارد نیست. در هیچ یک از نسخ معتبر «معاً کثیراً» نیامده است، بلکه یا «کثراً» و یا «معاً» و اتفاقاً در جملات بعد «کثیراً» را نفی کرده است. مصحح اصلاً اجتهاد نکرده است تا درست باشد یا به قول منتقد «اجتهاد اشتباه»، فقط با توجه به مستندات انتخاب کرده است (شاید مبنای منتقد چاپ مسعودی باشد. متأسفانه آقای مسعودی در این مورد اختلافات نسخ را ذکر نکرده است، با اینکه در نسخه «الف» مورد استناد ایشان، «کثیراً» بوده و ایشان «معاً کثیراً» ثبت کرده است بدون توجه به نسخه بدل یا نسخ دیگر).
 - ص ۶۳، س ۶: «الفاسدة» به کسر تاء آخر درست است نه به فتح آن.
 - اشکال وارد نیست. «حركات» در واقع منصوب است. منتقد می‌داند که جمع به «ات» در هر دو حالت نصب و جرّ به کسر خوانده می‌شود و در اینجا در واقع مفتوح است، پس صفت آن نیز مفتوح است.
 - ص ۶۳، س ۶: عجیب است که مصحح در اینجا «ما» را زائده می‌خواند (پاورقی ۶) و در صفحه ۶۰ (س ۱۵) همین «ما» را مصدر یه می‌نامد.

- اشکال وارد نیست. «ما»ی زائده و مصدریه متفاوتند. ترجمه:
«و برای این است که در بیشتر اوقات شهوت کلبی از برودت
پدید می‌آید».
- ص ۶۳، ۶: «فضولُ أكثرُ» درست است.
اشکال وارد است و من در غلطنامه قبلاً آورده‌ام.
- ص ۶۳، ۹: اشتباه چاپی در «ثمَّ» که به کسر میم چاپ
شده است.
- اشکال وارد است. قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۶۸، ۸: احتمال داده‌اند که اعراب «المجاورة» و
«الساقية» رفع باشد.
- این احتمال مردود است. «المجاورة...» متعلق است به
«العرورق».
- ص ۷۴، ۱۰: «التمخض» مجرور است.
اشکال وارد است.
- ص ۷۸، ۳: به نظر می‌رسد فاء در «فتحدث» عاطفه
است، بنابراین «فتحدث» منصوب است.
- اشکال وارد نیست.
- ص ۷۸، ۳: «يَتَمَيَّزُ».
- اشکال وارد است.
- ص ۷۸، ۸ به بعد «تولَّد أكثر ما يتولَّد» بهتر است.
اشکال وارد نیست و این پیشنهاد یعنی نصب «تولَّد» هیچ
محملی ندارد.
- ص ۷۹، ۱۲: پیشنهاد «تَوَزَّعَ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۸۰، ۵: «استغنى».
- اشکال وارد است و قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۸۰، ۱۵: «أحسن».
- اشکال وارد است. قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام. شاید بهتر
بود بر اساس نسخه‌های ص و مد، متن آیه «فتبارك الله أحسنُ
الخالقين» را می‌آوردم.
- ص ۸۱، ۱۰: «سوداء» خطاست، چون غیر منصرف است.
اشکال وارد است. قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۸۷، ۷: «بعَد ما».
- اشکال وارد است و قبلاً در غلطنامه نوشته‌ام.
- ص ۸۸، ۱۰: «يرشح».
- اشکال وارد است. در غلطنامه نوشته‌ام.
- ص ۹۱، ۲: «تَوَزَّعَ».
- اشکال وارد است. در غلطنامه نوشته‌ام.
- ص ۹۲، ۳: «الحُمُر» بسکون میم.
اشکال وارد است.
- ص ۹۲، ۴: «يُبصر»، به معنای دیدن، «يُبصر» از باب
افعال است.
- به‌رغم مراجعه به کتب لغت مختلف مثل قاموس و صحاح و
لسان العرب، به قطع معلوم نشد که اشکال وارد است یا نه. با
این حال پیشنهاد را در متن اعمال می‌کنم.
- ص ۹۳، ۷: «والعصب» تکرار شده است.
اشکال وارد است. قبلاً در غلطنامه یادآوری کرده‌ام.
- ص ۹۴، ۳: «النَّفْس» درست است.
اشکال وارد است.
- ص ۹۴، ۷: «الرض» درست است.
وارد نیست، اما به‌عنوان پیشنهاد، اصلاح می‌شود به «الرض».
- ص ۹۵، ۱۱: «واو» در عبارت «وهي التي...» زائد است.
اشکال وارد نیست. «واو» در نسخ موجود است و عبارت کاملاً
دارای معنی است.
- ص ۹۶، ۱۰: «ولتوزَّع».
- اشکال وارد است و در غلطنامه پاورقی ۷ را آورده‌ام: «وخلقت
لتوزيع الدم».
- ص ۹۷، ۹: «معلَّقه» درست است.
اشکال وارد است و قبلاً در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۹۷، ۵: در معنای «ارجحنان».
- با اندک تسامحی اشکال وارد است. ترجمه دقیق عربی می‌شود
«کج شدن».
- ص ۹۷، ۱۰: «وقوتُّها».
- اشکال وارد است و قبلاً در غلطنامه ثبت کرده‌ام.
- ص ۹۸، ۷: «فلم يُشكَّ» فعل مجهول درست است.
اشکال وارد نیست. فعل معلوم هم معنی را می‌رساند.
- ص ۹۹، ۱۲: «كبير» یا «كثير» با توجه به صفحه قبل.
اشکال وارد است. من در غلطنامه «كبير» نوشته‌ام.
- ص ۱۰۰، ۵: «نفسه» درست است به‌عنوان تأکید فاعل
«استحقَّه».

- اشکال وارد نیست. قطب‌الدین شیرازی نیز اینچنین معنی کرده است: «استحقّه بنفس مزاجه».
- ص ۱۰۵، س ۱: «عوضه» منصوباً درست است. اشکال وارد است.
- ص ۱۱۲، س ۱۰: «فیصیر» مفتوح به تقدیر «أن».
- اشکال وارد است و من قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۱۹، س ۶: فعل «جعل» دو مفعول می‌گیرد. اشکال وارد است و من قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۲۶، س ۹: باز هم اشتباه در مجهول دانستن «تتوزّع». اشکال وارد است من قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۲۸، س ۳ و ۴: خط تیره جمله معترضه باید بعد از «خاصه» بیاید. اشکال وارد نیست.
- ص ۱۳۱، س ۴: خط تیره جمله معترضه را باید بعد از واژه «منها» قرار داد. اشکال وارد است و من در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۳۱، س ۸: «أربع زوائد مفصلية...» درست است. اشکال وارد نیست.
- ص ۱۳۱، س ۱۰: «خواص».
- اشکال وارد است و من در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۱۳۲، س ۵: فقط جمله «أعني الثقبه» بین دو خط تیره قرار بگیرد. اشکال وارد است.
- ص ۱۳۳، س ۳: «العصب» مفتوح است. اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۱۳۵، س ۳: «و لكان أيضاً...» ادامه عبارت بالا است. اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۱۳۸، س ۴: «دِعامه» درست است. اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۱۳۹، س ۴: «تَعَقَّقْتُ» درست است. اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۱۳۹، س ۱۲: به نظر می‌رسد «واو» در عبارت «و یكون» استینافیه است و به رفع «و یكون».
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۱۴۷، س ۲: اعراب «مفصل الزند الأعلى» رفع است و عطف بر «مفصل المرفق» است.
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۴۷، س ۹: «الجداري» نعت الحز است. اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۴۹، س ۳: «لِیُمَكِّن» درست است. اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۵۱، س ۲: «المُجاوِزة» درست است. اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۵۱، س ۵: «لِتُوقِي» خطا است «لِتُوقِي» درست است. اشکال وارد نیست. در پاورقی عبارت نسخه‌ای را که «توقی» (به صورت مصدر) بوده آورده‌ام.
- ص ۱۵۱، س ۱۳: «شبيهة» درست است. عبارت درست «شبيه هیئة» است. در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۵۱، س ۱۴: ماده «دعم» فقط ثلاثی مجرد به کار رفته است. در المنجد جدید مشتمل بر لغات عصر، «أدعم» نیز به کار رفته و در نسخه ص «لِیُدْعِمها» ضبط شده است و من بر آن تکیه کرده‌ام، اما اشکال وارد است.
- ص ۱۶۰، س ۳: تشدید روی «اعتدلت» خطا است. اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۶۶، س ۵: در باب «تدعم». اشکال وارد است.
- ص ۱۶۶، س ۱۳: «التکثیر من الآلات» درست است. وارد نیست. مقصود این است که در تکثیر آلات، آفات هست.
- ص ۱۷۰، س ۸: به نظر می‌رسد «لم یحتج» درست است. اشکال وارد نیست.
- ص ۱۷۴، س ۷: «الثانیة» مجرور است. اشکال وارد است. من در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۷۶، س ۶: تشدید در «لَانْتَبَتْ» زائد است. اشکال وارد است.
- ص ۱۷۷، س ۵: در مورد «طرحهالی».
- اشکال وارد است. «طرحهالی» به فتح «ح» درست است.
- ص ۱۷۸، س ۸: «ینشأ» درست است، اشتباه تایپی. اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۱۷۹، س ۱۰: «الدَّقْن».

- اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۱۸۲، س ۵: «غیر» منصوب است.
- اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۸۶، س ۷: «لامحالة» درست است.
- اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۱۸۶، س ۱۳: «یَمیل» و در سطر ۱۴ «یُمیل».
- اشکال وارد است. قبلاً در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۹۱، س ۱۱: «تدعم» مثل قبل در ص ۱۶۶.
- اشکال وارد است.
- ص ۱۹۲، س ۶: «لتقبض».
- اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۱۹۳، س ۴: «ثنته» از باب ثلاثی مجرد.
- اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۲۰۷، س ۸: «أشد» درست است.
- اشکال وارد است.
- ص ۲۰۸، پ ۱: در سه سطر آخر «بکلام ابن سینا... نقول
إنهما» صحیح است.
- اشکال وارد است.
- ص ۲۰۸، س ۱۳: «لَحظت».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۲۱۳، س ۱۱: «توزع» درست است.
- اشکال وارد است.
- ص ۲۲۲، س ۴: «الشریان الوریدي» مفعول دوم یسمی.
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۲۲۲، س ۱۱: «فاستغنی... لا یستغنی».
- اشکال وارد است.
- ص ۲۲۳، س ۱: «إنما».
- اشکال وارد نیست. به علاوه در پاورق اختلاف ذکر شده تا
خواننده خود انتخاب کند.
- ص ۲۲۴، س ۹: «ثلاثة».
- اشکال وارد است.
- ص ۲۲۶، س ۳: «مُلْتَصِقاً» درست است.
- اشکال وارد است.
- ص ۲۲۶، س آخر: «فیتردد».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۲۲۷، س ۱: «یتخلص».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۲۳۴، س ۱۱ و ۱۲: «ینضج».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۲۴۲، س ۸: «تقب».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۲۴۳، پ ۸: «للثدی».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۲۴۸، س ۷: «مصدر أفعاله».
- اشکال وارد است.
- ص ۲۴۸، س ۹: «یفشو» لازم است.
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۲۴۹، س ۱۶: «المتحلل» درست است.
- اشکال وارد است.
- ص ۲۵۲، س ۷: «ریثما» درست است.
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۲۵۳، س ۱۰: «جهة» باید «جهة» باشد.
- اشکال وارد است.
- ص ۲۵۸، س ۱۱: «فاض» لازم است پس «قوة» درست
است.
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۲۸۵، س ۱۴: «قوة» درست است.
- اشکال وارد است.
- ص ۲۶۴، س ۳: «صور».
- اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۲۶۴، س ۱۵: «وهی الخامسة والسادسة عند التحقیق»
هی.
- اشکال وارد است. در غلطنامه اعمال کرده‌ام.
- ص ۲۶۵، سطر ۱: اسم و خبر کان جابه‌جا شده است.
- اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۲۶۵، س ۵: «متجانسة» درست است.
- اشکال وارد است.
- ص ۲۶۸، س ۴: «الأوفق و الأخص» درست است.
- اشکال وارد است.
- ص ۲۷۴، س ۴: «الناهقین» به اشتباه «الناقهین» شده است.

- اشکال وارد نیست.
- ص ۲۷۴، س ۱۰: این مورد ادامه همان مورد ۳ است نه مورد مستقل چهارم.
- اشکال وارد نیست. مورد سوم در باب کمیت است و مورد چهارم در باب کیفیت.
- ص ۲۷۵، س ۱۰: به نظر می‌رسد «عروضها»... اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۲۷۶، پ ۳: «قاس» با «باء» متعدی می‌شود. اشکال وارد است.
- ص ۲۷۷، س ۲ اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۲۷۹، س آخر: «صنفان» غلط تایپی. اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۲۸۴، س ۹ و ۱۰: «إمّا درست است. اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۲۸۵، س ۹: «یُسَمُّوا». اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۲۸۶، س ۴: «تَنْضِج». اشکال وارد است.
- ص ۲۸۷، س ۱۰: «الغددُ والسَّلْعُ» هر دو مرفوعند. اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۲۸۷، س آخر: «بِیض» بکسر باء. اشکال وارد نیست.
- ص ۲۹۲، س ۵ و ۶: یصل / تصل. اشکال وارد است (هر چند نسخه‌های معتبر جم و ص یوصل / توصل دارند).
- ص ۲۹۴، س ۱۱ و ۱۲: «مُعَدِیة» از باب افعال. اشکال وارد نیست.
- ص ۲۹۴، س ۱۳: «القروح» به کسر. اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۲۹۸، س ۳ و ۵: «إمّا» و «أَمّا». اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۰۳، س ۷: «المقابل» درست است. اشکال وارد است.
- ص ۳۰۳، س ۱۳ و ۱۴: «ابتداء» و «ابتداء».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۰۴، س آخر: «فَیَبِّینُ». اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۰۷، س ۱۵: «أُسْع» به فتح همزه. اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۱۰، س ۳: «مناسب». اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۱۲، س ۱۰: «نَزَّة» به فتح نون. اشکال وارد نیست. در لسان العرب «النَّزَّ والنَّزَّ والکسر أجود».
- ص ۳۱۳، س ۴: «جَفَاف» به فتح ج. اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۱۶، س ۷: «وتکون قتالة». اشکال وارد است.
- ص ۳۱۹، س ۵: «الرطب» مجرور است. اشکال وارد نیست. «مناسبت گرما با رطوبت» نه «گرمای مرطوب». در سطر بعد برای هر کدام حکم جداگانه گفته است: «الحارَّ یحلِّل، و الرطب یُرخی».
- ص ۳۲۰، س ۲: «رواجهم». اشکال وارد است.
- ص ۳۲۲، س ۴: «أحكام». اشکال وارد است. در غلطنامه نظر قطب‌الدین را، که در پاورقی ۱ آمده است، پذیرفته‌ام.
- ص ۳۲۳، س ۶: «تبیح» منصوب است. اشکال وارد است و خطای تایپی است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۲۷، س ۷: «یتبیین». اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۳۲۹، س ۱۳: «المتسخنة». اشکال وارد نیست. اساساً در کتب معتبر لغت از فعل «سخن»، باب تَفْعَل نیامده است (نه در القاموس و نه در الصحاح).
- ص ۳۳۲، س ۴: «هو الهواء» درست است. اشکال وارد است.
- ص ۳۳۴، س ۱۴: «موجبات» صحیح است. اشکال وارد نیست. مصحح «متوجه» بوده است. «موجبات» درست است. در صفحه ۳۴۷ نیز «موجبات» درست است.
- ص ۳۳۵، س ۵ و ۶: «مصحح» به اشتباه سه مورد پنداشته،

- حال آنکه دو مورد است.
اشکال وارد نیست.
- ص ۳۳۷، س ۱۳: «العَفْن».
- اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۳۳۷، س ۱۸: «أَصْحَاءٌ»، «أَقْوِيَاءٌ».
- اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۳۳۸، س ۹: «دلیلی برای تَوْلَد نداریم».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۳۳۹، س ۵: «لایستقینَ» درست است.
- اشکال وارد است.
- ص ۳۳۹، س ۱۶: «مراقُ» درست است.
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۴۰، س ۴: «ورؤوس... ممتلئة».
- اشکال وارد است. در غلطنامه «ممتلئة» ضبط کرده‌ام.
- ص ۳۴۰، س ۶: «مسترخي الأعضاء».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۳۴۱، س ۲: به نظر می‌رسد «كلما توافيها».
- اشکال وارد نیست. هیچ نسخه‌ای چنین نیست.
- ص ۳۴۳، س ۱۴: «خواص».
- اشکال وارد است. خطای تایپی است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۴۶، س ۷: «إمّا... إمّا».
- اشکال وارد است. خطای تایپی است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۴۷، س ۹: «يُفْرَح».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۴۷، س ۱۰: «موجبات» درست است.
- اشکال وارد نیست. در سطور بعد که می‌گوید: «يُسَخَّن...»
مطلب را روشن می‌کند.
- ص ۳۴۹، س ۱: «الأوّل».
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۴۹، س ۱۵: «فعلاً بجملة الجوهر» در گیومه بیاید.
وارد نیست. مقصود تأکید بر «فعلاً» در عبارات قبل است.
- ص ۳۵۰، س ۴: «إنّه».
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۵۴، س ۲: «عرف».
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۵۶، س ۶: «كل».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۳۵۶، س ۷: «اشتباه چاپی منبعه».
- یافت نشد.
- ص ۳۵۹، س ۲: «الترقيق» درست است.
- اشکال وارد است.
- ص ۳۶۴، س ۵: «العمور».
- اشکال وارد نیست. «والعمور» عطف است.
- ص ۳۶۴، س ۸: «الجلاء» یا «الجلاء» که در ص ۳۸۶،
س ۱۲ آمده است.
- اشکال وارد است. «الجلاء» درست است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۶۶، س ۲: «البحارين».
- اشکال وارد است (البته برای من یقین حاصل نشده است).
- ص ۳۶۷، س ۱ و ۲: «۴ و ۵ هر کدام مورد مستقل نیستند».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۳۶۷، س ۱۶: «الرطوبة» منصوب است.
- اشکال وارد است.
- ص ۳۶۸، س ۱۵: «الكيفية» منصوب است.
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۶۹، س ۱۶: «چرا اولی امّا است و دومی إمّا».
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۷۱، س ۷: «الغريزة».
- اشکال در مورد «الرطوبات» است که صحیح آن «للرطوبات»
است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۷۲، س ۴: «لم يَنْضَج».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۳۷۳، س ۱: «الشَّبَع».
- اشکال وارد نیست. رجوع شود به لسان العرب.
- ص ۳۷۳، س ۱۱: «مِحْفَة».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۷۵، س ۱: «الرؤوس».
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۳۷۵، س ۹: «تُسَقِط».
- اشکال وارد است.
- ص ۳۸۱، س ۴ و ۵: «يُسَخَّن».

- اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۳۸۲، پ ۸: «النَّيِّ» به فتح نون.
- اشکال وارد نیست. لسان العرب، ذیل «ناء»: «لحم نبيء، بالكسر، مثل نيع. وقد تترك الهمزة وتقلب ياءً فيقال نبيء مشدداً». در المنجد نیز.
- ص ۳۸۴، س ۳ و ۹ و ۱۲: «و منها الجماعُ...».
- اشکال دارد اما با راه حل دیگر: «منها الجماعُ؛ وقلةُ الأغذية؛ و...» تا آخر. به عبارت دیگر خطاست، اما نه به آن بیان که منتقد مطرح کرده‌اند. در غلطنامه آورده‌ام. مثلاً «منها الجماعُ» یعنی «من أسباب المجففات» و نیز «قلةُ الأغذية»، «وكونُها يابسة»، «والأدوية المجففة»، «وأنواعُ...»، «وملاقاتُ المجففات»، اینها همه به صورت مستقل مجفف شمرده شده‌اند، نه اینکه به تعبیر منتقد بعضی از اقسام بعضی دیگر باشند.
- ص ۳۸۴، س ۱۳: «كثرة».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۳۸۷، س ۳: «مُعْرٍ».
- اشکال وارد نیست. در نسخه‌های معتبر مثل ص و لسان العرب، ذیل غرا: «مُعْرٍ» بالتشديد، المنجد في اللغة العربية المعاصرة «مُعْرٍ» از باب تفعیل آمده است.
- ص ۳۹۱، س ۱: «خلف» منصوب است.
- اشکال وارد نیست.
- ص ۳۹۲، س ۴: «فتحس».
- اشکال وارد نیست، چون عطف نیست.
- ص ۳۹۷، س ۱۰: «مِثْقَب».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۰۳، س ۱۳: «بط».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۰۴، س ۱۵: «كثرة».
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۰۴، س ۱۸: «يُطِيق» از باب افعال.
- اشکال وارد نیست. عبارت از جهت دیگر مشکل دارد. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۰۵، س ۹: «يُسْتَدَلُّ» به صيغة مجهول.
- اشکال وارد است. «الطيب... يُسْتَدَلُّ... فيُسْتَدَلُّ»
- ص ۴۰۹، س ۷: «المنبّه» منصوب است و خبر مقدم.
- اشکال وارد است.
- ص ۴۰۹، س ۱۱: «در عبارت أكثر عدد محرکات».
- اشکال وارد است.
- ص ۴۲۱، س ۴: «صقلاب» به فتح.
- اشکال وارد است. با رجوع به فرهنگ فارسی معین، در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۲۲، س ۹ و ۱۷: «میرار» یا «مَرار».
- اشکال وارد است. هر دو «میرار».
- ص ۴۲۴، س ۹: «يُسرع».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۴۲۴، س ۱۵: اشتباه تایپی در اعراب «تنحية» و اعراب «الوارد».
- در «تنحية» اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام. اما در مورد «الوارد» وارد نیست، چون صفت «ضرر» است.
- ص ۴۲۷، س ۱۴: «المتخيل...» مجرور.
- اشکال وارد نیست. «الرضا» و «المتخيل» و «المحفوظ» عطف به «ثبات» است.
- ص ۴۲۸، س ۷: «مؤذٍ» مربوط به مورد اول است نه دوم.
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۳۰، س ۱۱: واژه «هشأ».
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۳۱، س ۵: «الهامة».
- توضیح: بعضی از «همم» مشتق دانسته‌اند پس «الهامة» درست است و بعضی از «هوم» و می‌شود «الهامة» بدون تشدید و در متن این ارجح است، پس اشکال وارد است.
- ص ۴۳۲، س ۱۳: «سرعة».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۴۵، پ ۱: «كتاباً»، «مصادر».
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۴۶، س ۵: اشتباه در فعل «يتبين».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۴۷، س ۲: «فَطْنْتُ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۵۲، س ۱۷ و ۱۸: «منتظم».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.

- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۵۰۹، س ۵: «أَغْلَطَ» و «مَتَمَيَّزٌ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۵۱۳، س ۶: «يَضْرِبُ». اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۵۱۳، س ۱۰: «قَلْبَةً».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۵۱۴، س ۱۴: «مَتَمَيَّزًا».
- اشکال وارد است.
- ص ۵۱۵، س ۱۳: «يَتَمَيَّزُ» به صیغه معلوم.
- اشکال وارد است.
- ص ۵۱۶، س ۷: «تَنَاوَلُ» خبر کان.
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۵۱۶، س ۱۶: «مَتَمَيَّزًا».
- اشکال وارد است.
- ص ۵۱۸، س ۸: «الرِّيْحُ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۵۱۸، س ۱۱: باز هم «مَتَمَيَّزُ» مثل قبلی.
- اشکال وارد است.
- ص ۵۱۸، س ۱۳: «النَّحْفَاءُ» اسم لکن است.
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۵۱۹، س ۴: «أَسْرَعُ الرَّسُوبِ».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۵۲۰، س ۶: «رَاحَةً».
- با متن موجود اشکال وارد است. اما با آوردن ضبط نسخه جم، که در پاورقی آمده و با توجه به آن «له» باید حذف شود، به متن، «رَاحَةً» درست خواهد بود. خطای مصحح اینجا صورت گرفته است که در ذهن خود به نسخه جم اعتماد کرده، اما آن را در متن اعمال نکرده است.
- ص ۵۲۰، س ۱۰: دَلٌّ.
- اشکال وارد است. در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۵۲۳، س ۲: ویرگول جلوی «اتفق» زائد است.
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۵۲۵، س ۱۰: همزه در «ابيض» همزه وصل است.
- اشکال وارد است. خطای تایپی است. در غلطنامه اصلاح
- ص ۴۵۳، س ۱۰ و ۱۴: «النَّغَمُ» و «النَّغَمُ».
- اشکال وارد است. در غلطنامه «النَّغَمُ» آورده‌ام.
- ص ۴۵۵، س ۱: «جنس» و «نبض».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۵۶، س ۱۳: «يكون».
- اشکال وارد است.
- ص ۴۵۶، س ۱۴: «حركة».
- اشکال وارد نیست. یعنی «يكون المتوقع حركة».
- ص ۴۵۷، س آخر: «رأي».
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۶۶، س ۱۵: «ضعف» خبر يكون و منصوب.
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام. ادامه عبارت در مورد «لین» وارد نیست.
- ص ۴۷۵، س ۱: «استمرأ» درست است.
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۷۶، س ۷: «يُسْرِعُ» و نیز در ص ۵۳۶ س ۹ و ص ۵۸۰، س ۷.
- اشکال وارد نیست. «يُسْرِعُ» و «يُسْرِعُ» هر دو درست است.
- ص ۴۷۹، س ۸: «الموجية».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۸۷، س ۳: «أشدُّ».
- اشکال وارد است.
- ص ۴۸۸، س ۱۴: «يَصْبِغُ».
- اشکال وارد است.
- ص ۴۸۹، س ۳: «يَضْرِبُ».
- اشکال وارد نیست و هر دو درست است.
- ص ۴۸۹، سطر ۶: «الكَرَّاثِيُّ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۴۹۲، س ۱۲: «يُسَمُّونَ» از باب تفعیل.
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۵۰۲، س ۱۰: «يَصْفُو» و «يَتَمَيَّزُ».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۵۰۵، سطر ۲: «ترهله».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۵۰۶، س ۱۱: «مختلطة».

شده‌است.

- ص ۵۲۸، س ۱: «أَخَصَّ».

اشکال وارد نیست. فعل متکلم وحده است.

- ص ۵۳۱، س ۸: «الأَخْلَاطِ».

اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۵۳۳، س ۹: «جَفَاف».

اشکال وارد است.

- ص ۵۳۴، س ۸: «استکمالنا».

اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۵۳۴، س ۱۳: «لَا مَحَالَةَ».

اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۵۳۵، س ۳: «تَفَنَّى».

اشکال وارد است.

- ص ۵۳۶، س ۳: «بَدَل».

اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۵۴۱، س ۳: «معاودات و متوالیة» مرفوع است.

اشکال وارد است.

- ص ۵۴۵، س ۲: «الصدر» مجرور است. علامت

نقطه ویرگول بعد از «الصدر» قرار گیرد.

اشکال وارد نیست «والصدر واسعته» جمله مستقل و مستأنف است.

- ص ۵۴۷، س ۱۳: «استقلالها» درست است.

اشکال وارد است.

- ص ۵۴۸، س ۵: «غایة».

اشکال وارد نیست.

- ص ۵۵۱، س ۲: «الأولی».

اشکال وارد است و همه موارد را در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۵۵۸، س ۱۸: «عُطَاس».

اشکال وارد است.

- ص ۵۶۰، س ۱۰: «خطای تایپی منتقد: س ۶»: «يَخْلَطُ الْجَمِيعَ»

و یا «سکراً».

اشکال وارد است.

- ص ۵۶۰، س ۱۲: «فواق».

اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۵۶۳، س ۱۱: «تَمِيل».

اشکال وارد است.

- ص ۵۶۴، س ۷: «يُؤَافُوا».

اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۵۶۴، س ۸: «هُوَ ذَا».

اشکال وارد است.

- ص ۵۶۵، س ۶: «مُعْظَم».

اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۵۶۶، س ۷: «فَيُضْطَرُّ».

اشکال وارد نیست.

- ص ۵۶۷، س ۱۱: «قليل» زائد است.

اشکال وارد است.

- ص ۵۶۹، س ۷: «وَجْهُهُ».

اشکال وارد است. بقیه بحث زائد است.

- ص ۵۷۳، س ۶: «تَنْشُرْهَا».

اشکال وارد است.

- ص ۵۷۴، س ۲: «يُوسِّعُ».

اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۵۸۰، س ۷: «يُسْرِعُ».

اشکال وارد نیست. به صورت لازم به کار رفته است.

- ص ۵۸۲، س ۷: «لِيَنْتَحِرَّ».

اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۵۸۹، س آخر: «خواص».

اشکال وارد است.

- ص ۵۹۱، س ۵: «الْآخِرُ».

اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۵۹۲، س ۷: «لَمْ يَجِدْ هَضْمًا».

اشکال وارد است. در غلطنامه «لَمْ يَجِدْ هَضْمًا» آورده‌ام. «لَمْ

يُجِدْ هَضْمًا» هم درست است.

- ص ۵۹۲، س ۱۰: «مَرَارِي».

اشکال وارد نیست. در همین صفحه ۵۹۲، سطر ۱۳، «مَرَار» به

کسر میم جمع «مِرَّة» است. «مِرَّة» به اخلاط اطلاق می‌شود:

مِرَّةُ الْبَلْغَمِ، مِرَّةُ الصَّفْرَاءِ...

- ص ۵۹۸، س ۷ و ۶: واژه «جَلْد» بادو نوع اعراب آمده است.

اشکال وارد است. «جَلْد» درست است و در غلطنامه آورده‌ام.

- ص ۶۰۲، س ۳: «مُتَعَب».

- اشکال وارد است. - ص ۶۰۳، س ۱۷: «فَتَحْفَظَ».
- اشکال وارد است. - ص ۶۰۷، س ۱۵: «عَادِيَةً».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۱۵، س ۱: «فَهُوَ إِنْ».
- اشکال وارد نیست. - ص ۶۱۶، س ۱: «سَكُونٍ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۱۸، س ۱۲: «انصَابٍ». نقطه و یرگول زائد است.
- اشکال وارد نیست. - ص ۶۱۹، س آخر: «تُحَدِّثُ».
- اشکال وارد نیست. - ص ۶۲۰، س ۱۲: «جَفَافٍ».
- اشکال وارد است. - ص ۶۲۲، س ۱۳: «سَبَبِهِ» درست است.
- اشکال وارد است. - ص ۶۲۳، س ۶: «دَهْنُ الْأَشْنَةِ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۳۰، س ۴: «مُنْضِجٍ».
- اشکال وارد است. - ص ۶۳۳، س ۱۰: «فَيْتَمَكَّنُ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۳۴، س ۳: «فَيَنْجَذِبُ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۳۸، س ۱: «يُسْتَعْمَلُ الْمَشْيُ وَالرَّكُوبُ».
- اشکال وارد است. غفلت و خطا از مصحح است، زیرا در نسخه‌های جم و ص «يُسْتَعْمَلُوا» آمده که درست است و در نسخه ط «يُسْتَعْمَلُ».
- ص ۶۳۹، س ۲ و ۳: «الْأَتْنُ» بدون تشدید.
- اشکال وارد است. خطای تایپی است. - ص ۶۳۹، س ۱۶: «أَصْلُ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۴۰، س ۷: «تَلْيِينٍ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۴۶، س ۱۰: «شَبُّوا».
- اشکال وارد است. - ص ۶۴۶، س ۱۰: «أَفْرَطَ».
- اشکال وارد است. - ص ۶۴۷، س ۵: «يُتَلَّثَوُا» به صورت معلوم.
- اشکال وارد نیست. بقیه افعال هم مجهول است. - ص ۶۴۷، س ۱۴: «يُسْقَوُا» فعل مجهول است.
- اشکال وارد نیست. فعل معلوم است و باید به «يُسْقَوُا» اصلاح شود که در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۴۹، س ۱: «مَعْتَدِلِي».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام. - ص ۶۵۰، س ۳: «وإن أوجِبَ... الطعام، ثم أَحَسَّ... عُولِجَ».
- اشکال وارد است. - ص ۶۶۷، س ۱: «شرب» تکرار شده است.
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۷۰، س ۶: «اشتباه چاپی بِمَا».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۸۷، س ۱۴: «لَمْ نُخْلِهَا» بضم ن (خطای تایپی منتقد: بضم میم).
- غلط تایپی است و درست آن «لَمْ نُخْلِهَا» است. - ص ۶۸۹، س ۷: «نَخْلَطُهُمَا».
- اشکال وارد است. - ص ۶۹۰، س ۸: «يَتَبَيَّنُ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۹۱، س ۷ و ۸: «يُسْتَأْنَسُ، يُسْرُّ، يُسْتَحْيَى» به صورت مجهول.
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۹۲، س ۱۰: «السَّالِفِ».
- اشکال وارد است. - ص ۶۹۶، س ۱: «يُحَوِّجُ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۹۷، س ۷ و ۱۲: «يَمْنَعُ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام. - ص ۶۹۹، س ۷: «هُوَ الْعَضْوُ» درست است.
- اشکال وارد است. - ص ۶۹۹، س ۷: «هُوَ الْعَضْوُ» درست است.

- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۷۰۲، س ۱۱: «أَفْرَطَ».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۷۰۲، س ۱۳: «يَذْهَبُ بِهِ».
- اشکال وارد است.
- ص ۷۰۴، س ۳: «يُسْتَحَبُّ».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۷۰۴، س ۱۰: «الْمَهْمَّ».
- اشکال وارد است.
- ص ۷۰۵، س ۱۰: «يُحْتَاجُ».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۷۱۲، س ۶: «يُجْرُونَ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۷۱۲، س ۸: «بَعْضُ».
- اشکال وارد است.
- ص ۷۱۹، س آخر: «وَأَمْنَعُهُمْ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۷۳۲، س ۴: «أَفْرَطَ».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۷۳۸، س ۷: «فَشَوْ».
- اشکال وارد است.
- ص ۷۴۱، س ۳: اشتباه چاپی در «سن».
- اشکال وارد است.
- ص ۷۴۱، س ۵: «يَدْرَجُونَ».
- اشکال وارد است.
- ص ۷۵۰، س ۸: «تَنُورٌ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۷۵۳، س ۱۱: «يُفِقُّ» از باب افعال.
- اشکال وارد است.
- ص ۷۵۴، س ۱: «بَادِرٌ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۷۵۴، س ۱: «حِشَاهُ» بدون تشدید.
- اشکال وارد نیست.
- ص ۷۵۴، س ۹: «وَيُقْصِدُ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۷۵۵، س ۷: «مَأْبُضٍ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۷۵۶، س ۱: «العِرْقُ».
- اشکال وارد است.
- ص ۷۵۸، س ۱۶: «فَاحْتَبَسَ» فعل معلوم است.
- اشکال وارد است.
- ص ۷۵۹، س ۹: «أَرْفُقُ»...
- اشکال وارد است. ثلاثی مجرد است و «أَرْفُقُ» در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۷۶۰، س ۱: «شَدَّ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۷۶۳، س ۱۱: «اِخْتِلَاطٌ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح شده است.
- ص ۷۷۰، س ۸: «تَأْكُلُ... التَّأْكُلُ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۷۷۲، س ۱: «الْكَائِنُ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۷۷۴، س ۱۲: «تُجَفَّفُ».
- اشکال وارد است در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۷۷۷، س ۱۱: «يُدْخِلُ».
- اشکال وارد است.
- ص ۷۷۸، س ۴: «نَهْدِي».
- اشکال وارد است. در غلطنامه آورده‌ام.
- ص ۷۷۸، س ۱۰: تمام عبارت «تفرق... العظمية» داخل گیومه.
- اشکال وارد نیست.
- ص ۷۸۰، س ۱: «لَمْ يَتَأْكَلْ».
- اشکال وارد است.
- ص ۷۸۰، س ۱۰: «يَنْبِتُ».
- اشکال وارد نیست.
- ص ۷۸۱، س ۹: «تَجْفِيفٌ».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۷۸۴، س ۶: «سَمِيًّا».
- اشکال وارد است و در غلطنامه اصلاح کرده‌ام.
- ص ۷۹۱، س ۶: «هُوَ السَّبَبُ» درست است.
- اشکال وارد است.